کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۱۳، ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۷

صدور احکام ناعادلانه علیه مبارزان سندیکایی را متوقف کنید!

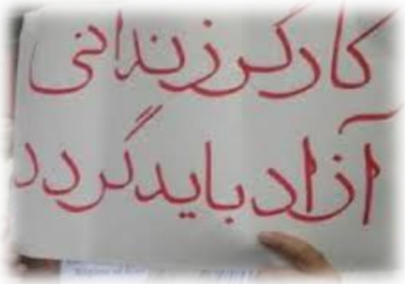

قوهٔ قضاییه به‌مثابه اهرم اعمال فشار به جنبش سندیکایی زحمتکشان

پس از صدور و اعلام حکم ضدانسانی شلاق و زندان برای ۱۵ تن از کارگران شرکت هپکو، بار دیگر خبر حکم ناعادلانه دیگری علیه فعالان کارگری و سندیکایی این بار از سوی دادگاه انقلاب اسلامی تهران انتشار یافت. شایان ذکر است که پیش از آن نیز "هاشم خواستار"، فعال سرشناس انجمن صنفی معلمان، بانظر دادستانی انقلاب اسلامی و به‌زور به بخش بیماران روانی فرستاده و بستری شده است.

مطابق گزارش رسانه‌های همگانی، شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر دادگاه انقلاب اسلامی تهران حکم ۵ سال و ۳ ماه زندان برای "ابراهیم مددی"، معاون رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، را تأیید و پرونده این مبارز سندیکایی به شعبه اجرای احکام ارسال شد. ابراهیم مددی به‌عنوان یک فعال سندیکایی هیچ جرم یا اقدامی

ادامه در صفحه ۳

تشدید مبارزه وظیفه مبرم جنبش کارگری- سندیکایی در مقطع زمانی کنونی است

آغاز دور تازه تحریم‌های یکجانبه و مداخله‌جویانه دولت آمریکا، شتاب تحول‌های سیاسی و صف‌بندی‌های سیال در حاکمیت، ادامه یافتن بحران، انتخاب محمد شریعتمداری به‌عنوان وزیر جدید کار، اعلام و تأیید رسمی اجرای طرح بسته‌های حمایتی دولت، رشد نرخ تورم، ژرفش شکاف طبقاتی در جامعه، افت و تنزل بازهم بیشتر قدرت خرید دستمزد و به‌همراه آن اوج‌گیری نارضایتی کارگران و زحمتکشان ایران، مهم‌ترین رخدادهای هفته‌های اخیر بوده‌اند.

سرانجام پس از کش و قوس‌های بسیار، هیئت وزیران با رأی اعتماد مجلس تکمیل شد و محمد شریعتمداری به‌عنوان یکی از چهره‌های شاخص مدافع برنامه آزادسازی اقتصادی برکرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تکیه زد.

برنامه وزیر جدید کار چیست؟

محمد شریعتمداری، با توجه به سابقه سیاسی و کارنامه‌اش در طول چهار دهه گذشته، به‌هدفی مشخص و با برنامه‌ای معین به وزارت کار انتخاب شده است. موضع‌گیری‌ها و سخنان او پیش و پس از گزینش به سمت وزیر کار نشان‌دهنده مأموریت او در ترکیب هیئت دولت و

ادامه در صفحه ۲

سیاست‌های رژیم ولایت فقیه و منافع زنان شاغل

بحران و رکود عمیق اقتصادی و کاهش چشمگیر نرخ ارز ملی، تاراج منابع ملی و اندوخته‌های زحمتکشان توسط کارگزاران رژیم، تشدید بحران معیشتی زحمتکشان و اعتراض های گستردهٔ آنان در ماه‌های اخیر تعویض مهره‌های اقتصادی در ۵ آبان‌ماه را موجب گردید. موضوع اصلی سخنان نمایندگان مجلس و دفاع چهار وزیر پیشنهادی روحانی که به "کسب اکثریت آراء" نیز موفق شدند "رانت" و "فساد" حاکم بر رژیم ولایی بود. بحران اقتصادی و بیکاری میلیونی زحمتکشان اثرهایی شدیدتر بر معیشت زنان کارگر داشته است. مثلاً، در حین دفاع وزیر کار پیشنهادی روحانی از برنامه‌های خود، یکی از نمایندگان مجلس در ارتباط با "استفاده از زنان متخصص در بخش‌های مدیریتی" در رژیم ولایی گفت: "در بین ۱۳۶ کشور ایران جایگاه ۱۳۳ را در مشارکت زنان و سهم برابری نیروی کار دارد"، و یکی دیگر از نمایندگان هم در ارتباط با شرایط اسفبار زحمتکشان زن گفت: "یک خانم سرپرست خانواده با سه فرزند که محل زندگی هم ندارد با ۱۵۰ هزار تومان چگونه زندگی خود را اداره کند؟"

حضور پررنگ و متشکل زنان در فراخوان به تحصن "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" علیه خصوصی‌سازی آموزش، تاراج "صندوق ذخیره فرهنگیان"، بهره‌کشی ظالمانه و تهدید و زندانی کردن معلمان سندیکالیست بسیار تحسین‌برانگیز بود. مبارزه متشکل پرستاران شجاع که اغلب زن‌اند علیه تبعیض‌های اعمال شده از سوی رژیم ولایی در "طرح تحول سلامت" و به‌منظور کسب مزدی شرافتمندانه و برخورداری از امنیت شغلی قابل تقدیر است. مطابق گزارش ۹ آبان‌ماه خبرگزاری ایلنا: "نزدیک به ۲۱۴ شغل خانگی شناسایی شده است که بیش از ۹۰ درصد شاغلان آن [ها] را زنان تشکیل می‌دهند". مثلاً در یکی از رایج‌ترین شغل‌هایی که زنان در آن به‌کار مشغولند، فرش‌بافی، دستمزد متوسط یک زن فرش‌باف با "تلاش شبانه روزی و فعالیت بیش از ۱۸ ساعت در روز... ماهیانه ۳۸۰ هزار تومان است."

در این میان به وضعیت کار و زندگی زنان کارگر در صنوف نیز باید اشاره کرد. صدها زن کارگر در صنف‌های مختلف نظیر خیاطی، بافنده‌سوزنی و کارگاه‌های عموماً کمتر از ۱۰ نفر در سراسر کشور مشغول به‌کارند که از ابتدایی‌ترین حقوق محرومند. این زنان کارگر در مشاغل خود یک سوم مزد همکاران مرد را دریافت می‌کنند و اغلب بدون قرارداد بوده و به‌صورت قراردادهایی شفاهی به کار گرفته می‌شوند. حق بیمه، حق مرخصی زایمان، مزایای شغلی‌ای مانند پاداش و عیدی آخرسال، بیمه، حق اولاد و ایاب و ذهاب شامل حال آنان نمی‌شود. شدت و درجه استثمار این زنان کارگر در کارگاه‌های کوچک به‌مراتب بیشتر از کارخانه‌هاست و اصولاً دراین کارگاه‌ها، کارگران به‌ویژه زنان کارگر حق اعتراض و انتخاب نیز ندارند. آنان

ادامه در صفحه ۳

پیش به‌سوی سازمان‌دهیِ مبارزه منسجم و سراسریِ کارگران و زحمتکشان بر ضدِ ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوبِ حقوق صنفیِ کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راهِ طردِ رژیم ولایت فقیه!

ادامهٔ تشدید مبارزه وظیفهٔ مبرم جنبش کارگری ...

برنامه‌های رژیم در دوران بازگشت تحریم‌ها است. محمد شریعتمداری پس از رأی اعتماد مجلس بلافاصله نشستی تبلیغاتی را با برخی تشکل‌های زرد حکومتی و تشکل‌های کارفرمایی ترتیب داد و در خصوص مبرم‌ترین مسائل "بازار کار" و مطالبات زحمتکشان سخنانی ایراد کرد. او در این نشست تشکیل جلسه شورای‌عالی کار و رسیدگی به وضعیت صندوق‌های بازنشستگی نیز تأمین اجتماعی را قول داد. به‌علاوه، او در نشست خبری مذکور یادآوری کرد: "از زیرمجموعه‌ها خواستیم برنامه ۱۰۰ روزه ارائه دهند و وضعیت مجموعه خودرا ظرف یک هفته گزارش دهند." همزمان با وعده‌های وزیر جدید کار، هیئت وزیران، با تصویب طرحی، جزییاتی تازه را در مورد جبران حقوق کارمندان و کارگران اعلام کرد. مطابق این مصوبه، سازمان برنامه و بودجه مجاز گردید برای کارکنان رسمی، پیمانی، کشوری و لشکری، کارکنان قراردادی و شرکتی، مستمری‌بگیران صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری، صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد و صندوق‌های دیگر که مجموع پرداختی ماهانه آن‌ها کمتر از ۳۰ میلیون ریال است کمک‌جبرانی در نظر بگیرد. چنانکه پیداست، نه در وعده‌های شریعتمداری و نه در مصوبه هیئت دولت از افزایش و ترمیم دستمزد بر اساس مذاکره و چانه‌زنی سه‌جانبه سخنی در میان نیست و اگر دقیق‌تر به سخنان وزیر جدید کار توجه کنیم او بررسی مسئله مزد و نه افزایش آن را وعده می‌دهد. محمد شریعتمداری با صراحت تأکید کرده است که برای جبران معیشت و ترمیم مزد باید به‌دنبال ارائه "راه‌های متنوع جبران عقب‌ماندگی مزدی بود". در واقع یکی از راهبردهای وزارت کار ارتباط دادن بررسی ترمیم مزد در سال جاری به مذاکرات مزدی سال آینده است.

شریعتمداری همچنین، پیش از رأی اعتماد مجلس به او، در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا، موضع‌گیری‌هایش را در خصوص افزایش و ترمیم دستمزد، نقش دولت در شورای‌عالی کار، سرنوشت سازمان تأمین اجتماعی، حق اعتصاب و اعتراض زحمتکشان، و موضوع همسان‌سازی حقوق بیان کرده بود. این موضع‌گیری‌ها نکته‌هایی بسیار مهم در بر دارد که توجه دقیق و موشکافانه به آن‌ها زوایای کمتر شناخته‌شده مأموریت محمد شریعتمداری در وزارت کار را در معرض دید و داوری همگانی قرار می‌دهد. مثلاً او در گفت‌وگو با ایلنا، ۱ آبان ماه امسال، در ارتباط با مطالبه فوری طبقه کارگر، یعنی افزایش و ترمیم مزد، گفته‌بود: "در مورد دستمزد ما یک عقب‌ماندگی تاریخی داریم. مجموعه کار و تولید، مزدشان در طول تاریخ عقب مانده است و محدودیت‌هایی که در تعیین قیمت کالا و کشش بازار وجود داشته، همیشه برای دستمزد یک حد مشخص تعیین کرده است... اما ممکن است نتوانیم به‌یکباره همه عقب‌ماندگی‌ها را که در طول زمان تحمیل شده جبران کنیم." این سخنان از سوی محمد شریعتمداری البته تازگی ندارد، اما چنین سخنانی که اکنون او در مقام وزیر کار بیان می‌کند بسیار پرمعناست. تأکید وزیر کار جدید بر "محدودیت‌هایی که در مورد تعیین قیمت کالا" در مورد دستمزد بیان می‌کند پرده از مهم‌ترین موضع‌گیری وزارت کار برمی‌کشد و آشکارا سیاست شناخته‌شده رژیم را در معرض دید قرار می‌دهد. شریعتمداری هنگامی که به‌عنوان وزیر صنعت در جلسات شورای‌عالی کار حضور می‌یافت، ازجمله در جلسه تعیین حداقل دستمزد در اسفند ماه سال گذشته، همواره از مخالفان افزایش عادلانه دستمزد و محاسبه واقعی نرخ سبد معیشت برای کارگران بود. استدلال او در آن زمان همان چیزی بود که اکنون تحت عنوان "محدودیت‌هایی که تعیین قیمت کالا و کشش بازار" در تعیین مزد است. به‌عبارت دقیق‌تر، او افزایش مزد را سبب رشد نرخ تورم و جهش قیمت‌ها می‌داند و از منطق سیاست‌های نولیبرالی برای جلوگیری از افزایش مزد کارگران پیروی می‌کند. نکته مهم و ظریف در این مصاحبه پافشاری او بر جبران عقب‌ماندگی مزدی به‌صورت مرحله‌ای است. مزد مرحله‌ای پیش از این با نام‌هایی چون شناورسازی مزد، شفاف‌سازی مزد، و منطقه‌ای کردن مزد از سوی تشکل‌های زرد حکومتی و همصدا با آن‌ها کارفرمایان و دولت طرح و تبلیغ شده بود. چنین طرح‌هایی به‌معنای آزادسازی مزد در بطن اجرای برنامه‌های ویرانگری همچون "هدفمندی یارانه‌ها" و "خصوصی‌سازی" است.

وزیر جدید کار به‌خوبی می‌داند که آزادسازی اقتصادی در کشور بدون آزادسازی قیمت‌ها و آزادسازی مزد به‌سرانجام مطلوب موردنظر کلان‌سرمایه‌داران نخواهد رسید و اصولاً بخش اصلی برنامه هدفمندی یارانه‌ها، یعنی آزادسازی اقتصادی، را شناورسازی مزد و مهیا ساختن نیروی کار مطیع و ارزان تشکیل می‌دهد که دولت حسن روحانی در پی اجرایی کردن آن بوده و هست. تیم اقتصادی دولت که شریعتمداری از نمایندگان شاخص آن به‌شمار می‌آید، وظیفه دارند سیاست آزادسازی اقتصادی را در شرایط بازگشت تحریم‌های امپریالیسم آمریکا به‌مورد اجرا بگذارند و تداوم آن را تضمین کنند. سیاست شوک‌درمانی و کاهش ارزش پول ملی به‌موازات خصوصی‌سازی و سلب مالکیت از توده‌های مردم دقیقاً از سوی همین تیم در ماه‌های اخیر به‌اجرا درآمد. بی‌جهت نیست که شریعتمداری در مقام وزیر کار از سیاست "افزایش سطح رضایت کارگران" در دوره کنونی پیوسته سخن می‌گوید. علاوه بر این، موضع‌گیری وزیر کار جدید در خصوص حق اعتصاب و اعتراض زحمتکشان نیز جای تأمل جدی دارد. او با صراحت در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگران جان به‌لب رسیده را "کمتر مدنی" معرفی ساخته است. او به ایلنا دراین باره گفت: "طرف مقابل یا همان کارگران... رفتارهایی صورت می‌دهند که کمتر مدنی است... اما بالاخره توقع ما از جامعه مدنی پیشرفته و سازمان‌یافته این است که مطالبات به‌شیوه مدنی دنبال شود." سخنان وزیر کار دراین خصوص احتیاجی به تفسیر و توضیح ندارد. او با زبان تهدید و تطمیع اعتصاب، یعنی این حق شناخته‌شده و مسلم طبقه کارگر و زحمتکشان، را خلاف "شیوه مدنی" معرفی می‌کند و نسبت به ادامه اعتراض‌ها هشدارهایی مشخص می‌دهد. چنین مواضع‌گیری‌هایی درباره حق اعتصاب زحمتکشان آن هم در مرحله کنونی تحولات کشور به‌هیچ‌روی نمی‌تواند اتفاقی ارزیابی شود. وظیفه اصلی وزارت کار در مقطع زمانی کنونی جلوگیری از رشد مبارزات کارگری و ممانعت از ارتقای سطح سازمان‌دهی و همبستگی در آن است. محمد شریعتمداری در دوران بازگشت تحریم‌ها و گسترش اعتراضات اجتماعی وظیفه دارد با مانورهایی حساب‌شده، گاه با تهدید و گاه با تطمیع، جنبش کارگری را کنترل و مهار کرده و مانع از پیوند اعتراضات کارگری با جنبش همگانی ضد استبدادی شود. بی‌پایه نخواهد بود اگر تأکید کنیم که وزیر کار برای حق تشکل‌یابی مستقل و واقعی زحمتکشان ارزش و اهمیتی قائل نیست و در زمینه تنظیم مسائل مربوط به معیشت کارگران و روابط کار بر رعایت چارچوب سیاست تعدیل ساختاری تکیه و پافشاری می‌کند. برگماری محمد شریعتمداری، از وابستگان دستگاه‌های امنیتی رژیم و نزدیکان مورد اعتماد ولی فقیه و همچنین از هواداران سینه‌چاک برنامه تعدیل ساختاری، به مقام وزیر کار ما شاهد برنامه‌هایی چندوجهی به‌منظور مهار، کنترل، و سرکوب جنبش کارگری- سندیکایی بوده و خواهیم بود.

در اوج بحران فراگیر و آغاز دور تازه تحریم‌ها، هدف اصلی رژیم و دستگاه‌های امنیتی ممانعت از ارتقای سطح رزمندگی جنبش سندیکایی و حضور متحد و توانمند آن در اعتراضات مردمی است. حضور طبقه کارگر و زحمتکشان به‌صورت متشکل در اعتراضات همگانی علیه استبداد مذهبی، آن وحشت و هراسی است که خواب سران رژیم را آشفته ساخته و از این‌روی همه‌گونه توطئه و برنامه‌های خراب‌کارانه را برای جلوگیری از وقوع آن به‌کار می‌گیرند.

حمایت تشکل‌های زرد حکومتی از وزیر جدید کار

توطئه رژیم برای مهار و سرکوب جنبش کارگری- سندیکایی فقط به وزارت کار محدود نمی‌شود. دراین برنامه چندوجهی تشکل‌های زرد و زرد حکومتی به‌ویژه خانه کارگر و سران آن نقشی بسیار مهم بر عهده دارند. پیش از رأی اعتماد مجلس به محمد شریعتمداری به‌عنوان وزیر کار، خانه کارگر معرفی او از سوی حسن روحانی برای تصدی وزارت کار را مورد ستایش قرار داد و پس از آن نیز این تشکل ضدکارگری انتخاب شریعتمداری را فرصتی مغتنم به‌منظور تحقق خواست‌های کارگران و شنیده شدن فریاد آنان دانسته است.

چنین حمایت آشکاری نمی‌تواند شگفت‌آور باشد. خانه کارگر و دیگر تشکل‌های زرد مجری و اهرم اعمال سیاست‌های رژیم در

ادامه در صفحه ۳

ادامهٔ سیاست‌های رژیم ولایت فقیه و منافع زنان ...

در صف اول تعدیل نیروی کار یعنی اخراج قرار دارند و قراردادهایشان علاوه برآنکه شفاهی است مدت آن گاهی به ۱۰ روز نیز نمی‌رسد و پس از آن برای امرار معاش مجبورند با دستمزدی پایین‌تر از قبل و ساعات کاری بیشتر در همان کارگاه و زیرنظر همان کارفرما مشغول به‌کار شوند. در جریان رکود و ورشکستگی کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی به‌ویژه در ماه‌های اخیر زنان کارگر و کارمند و به‌طور کلی زنان شاغل زودتر و پیش از همه حکم اخراج دریافت کرده و می‌کنند. در جریان ورشکستگی کارگاه‌های صنوفی چون پوشاک، تریکوبافی، بسته‌بندی مواد خوراکی، تولید کنسرو و صنایع غذایی بیشترین سهم بیکاری و بی‌پناهی متعلق به زنان شاغل بوده است.

مطابق معمول، نرخ بیکاری اعلام شده از سوی "مرکز آمار" ایران نه تغییر محسوسی کرده است و نه خواهد کرد. یک پژوهشگر اقتصاد با تأکید بر "قفل‌شدگی نظام بانکی کشور"، ۹ آبان‌ماه، اعلام کرد: "اقتصاد ایران روند رو به‌انسداد ساختاری را طی می‌کند. ... بحران بخش بانکی به مرحله فاجعه‌آمیزی رسیده" است. شریعتمداری، وزیر جدید کار، ۱۰ آبان‌ماه، از نظام بانکی کشور همچون "یکی از ابرچالش‌ها" نام برد. او از اختصاص "۳۲ هزار میلیارد" تومان برای ایجاد اشتغال سخن گفت، اما افزود: "ما این را قانون کرده و در بودجه عمومی گذاشتیم اما اجرا نمی‌شود." در حالی‌که خبرگزاری ایلنا، ۱۳ آبان‌ماه، از خروج "۵۹ میلیارد دلار سرمایه از ایران" طی دو سال اخیر گزارش می‌داد، شریعتمداری کاهش بیکاری را در گرو اجرای "طرح استاد- شاگردی" دانست و گفت: "اگر ۷۷۰ هزار میلیارد [تومان] سرمایه‌گذاری خارجی در ایران صورت بگیرد، می‌توانیم ۸ دهم (۰٫۸) درصد نرخ بیکاری را "کاهش دهیم." براساس آنچه وزارت کار درنظر گرفته، طرح استاد- شاگردی آن دسته از زنان کارگر و کارمند و سرپرست خانوار که جویای کار هستند را در بر خواهد گرفت. به‌این معنا که، صدها زن شاغل که در اثر بحران ارزی و کاهش ارزش پول ملی بیکار شده‌اند به عنوان کارآموز و با دستمزدی زیر مصوبه شورای‌عالی کار و محروم از کلیه مزایا همچون دانشجویان و دیگر بیکاران به‌بیگاری گرفته خواهند شد. استثمار، تبعیض جنسیتی، و بی‌قانونی مطلق شرایط زندگی زنان شاغل را رقم زده است. راه رهایی زنان زحمتکشان کشورمان شرکت مؤثر آنان در مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی و تشکیل سندیکاهای واقعی و مستقل و مبارزه‌ای متحد همراه با برادران کارگر خود علیه سیاست‌های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه

ادامهٔ از مبارزه کارگران دیگر کشورها ...

کاری شرافتمندانه و مطلوب حمایت می‌کنیم.

دفتر اروپایی فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، ۲۶ مهرماه ۱۳۹۷

ترجمه: http://www.wftucentral.org/european-regional-office-of-wftu-solidarity-for-the-arrest-of-ozgur-karabulut-president-of-progressive-union-of-construction-workers-in-turkey/

ادامهٔ صدور احکام ناعادلانه علیه مبارزان ...

مغایر با قانون‌های جاری در جمهوری اسلامی مرتکب نشده است و صدور حکم ناعادلانه زندان برای او با هدفی معین صورت می‌گیرد. حکم ۵ سال و ۳ ماه زندان برای این عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد ادامه اجرای سیاست اعمال فشار بر مبارزان جنبش کارگری - سندیکایی است. همچنان که رفتار غیرقابل پذیرش نسبت به هاشم خواستار، مبارز حقوق صنفی فرهنگیان، نشانه‌ای دیگر از درنده‌خویی دستگاه قضایی رژیم در برابر مدافعان حقوق زحمتکشان است. ما پیش از این نیز گفته بودیم که صادر کردن حکم‌های غیرانسانی و رفتار ظالمانه نسبت به مبارزان جنبش سندیکایی و سندیکالیست‌های راستین از سوی قوه قضاییه بخشی از برنامه رژیم ولایت فقیه به‌منظور سرکوب جنبش اعتراضی رو به‌گسترش کارگران و زحمتکشان است. ما توقف این‌گونه حکم‌های ضد انسانی دربارهٔ مدافعان حقوق کارگران و زحمتکشان و سندیکالیست‌ها را خواستاریم. به رفتار ظالمانه دادستانی و دستگاه‌های امنیتی بر ضد هاشم خواستار پایان دهید! با مبارزه متحد و متشکل توطئه‌های رژیم را باید خنثی کرد. حزب توده ایران تأمین و تضمین حق فعالیت سندیکایی را برای همه زحمتکشان، بدون استثنا، حقی انکارناپذیر می‌داند و در این راه قاطعانه مبارزه می‌کند.

ادامهٔ تشدید مبارزه وظیفهٔ مبرم جنبش کارگری ...

محیط‌های کارگری‌اند. با داشتن چنین هدفی اکنون این تشکل‌ها نقش خویش را در دوران بازگشت تحریم‌ها بازتعریف کرده و خود را موظف می‌دانند تا فضای لازم برای اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های محمد شریعتمداری فراهم آورند. بی‌جهت نیست که در هفته‌های اخیر یعنی زمانی که مطالبه ترمیم و افزایش مزد بیش از پیش از سوی کارگران پیگیری می‌شود، خانه کارگر علمدار سینه‌چاک طرح شناورسازی مزد شده است: دقیقاً همان سیاستی که محمد شریعتمداری برای به‌انجام رساندنش ردای وزارت کار را برتن کرده است. شناورسازی مزد یعنی آزادسازی مزد در چهارچوب برنامه تعدیل ساختاری. تشکل‌های زرد حکومتی با عوام‌فریبی در دوره کنونی کوشیده نیز خواهند کوشید اعتراض‌های به‌حق کارگری را مطابق فرمان محمد شریعتمداری به مجرای به‌اصطلاح "شیوه‌های مدنی" یعنی سیاست موردنظر رژیم هدایت کنند. حمایت تشکل‌هایی چون خانه کارگر، و کانون عالی شوراهای اسلامی کار از وزیر جدید کار درواقع تکمیل برنامه چندوجهی رژیم برای کنترل، مهار، و سرکوب جنبش اعتراضی زحمتکشان است. با نظرداشت این واقعیت‌ها، باید به این پرسش پاسخ داد که وظیفه اصلی مبارزان راستین جنبش سندیکایی در مرحله کنونی چیست؟

مبرم‌ترین وظایف در مرحله کنونی

جنبش کارگری- سندیکایی میهن ما به‌رغم تمامی ضعف‌ها و کمبودها، در ماه‌های اخیر گام‌به‌گام رشد کرده و در مسیر خروج از حالت تدافعی در حرکت است. ادامه این مسیر بدون هشیاری، مبارزه خستگی‌ناپذیر، و تعیین سیاست‌های صحیح امکان‌پذیر نخواهد بود. وظیفه مقدم در این لحظه، تشدید مبارزه در تمامی سطح‌ها و استفاده از همه امکانات و روزنه‌ها به‌هدف احیای حقوق سندیکایی است. در این میان باید با هشیاری دوچندان از تفرقه پرهیز کرد و توطئه‌های رژیم را ناکام گذاشت. امروزه در پرتو رشد آگاهی طبقاتی توده‌های کارگر بستر و زمینه‌های ذهنی و عینی ارتقا و اعتلای جنبش کارگری و سندیکایی بیش از گذشته فراهم است. وظیفه مبارزان راستین جنبش سندیکایی در مقطع زمانی کنونی توجه دقیق به این بسترها و مبارزه در راه تقویت و تحکیم موقعیت جنبش کارگری در بطن جنبش همگانی ضد استبدادی است. باید با طرح شعارهای صحیح به سمت سازمان‌دهی طبقه کارگر در جنبش حرکت کرد و از این طریق از منافع سیاسی و صنفی طبقه کارگر و زحمتکشان دفاع نمود.

اعتصاب حق سیاسی کارگران است

اعتراض کارگران و سندیکاهای کارگری آلمان به حکمی غیرقانونی علیه حق اعتصاب

صدور یک چنین حکمی واقعاً غیر قابل باور است. بنا بر حکم صادره از طرف اداره فدرال حمل و نقل باری آلمان در ۱۴ اوت ۲۰۱۸ / ۲۳ مردادماه ۱۳۹۷، به کارفرمایان این حق داده شده است تا به‌منظور شکستن اعتصاب به کارگرانی که در اعتصاب شرکت نکرده و یا با آن همراهی نداشتند پاداش پرداخت شود. با این وجود، کارفرماها باز هم به تعهد خود پایبند نیستند و در پرداخت این پاداش تبعیض قائل می‌شوند. تبعیض قائل شدن و تفرقه انداختن بین کارگران شیوه‌ای است شناخته شده که به‌دلیل رشد مبارزات کارگری قابل درک است. این سیاست کارفرمایان اقدامی است برای شکستن اعتصاب و ایجاد اختلاف در صفوف کارگران.

ما بنا بر دلایل زیر از حق خود دفاع خواهیم کرد:

۱. حق اعتصاب هنوز هم بنابر بند ۳ ماده ۹ بخشی اساسی از حقوق اولیه کارگران محسوب می‌شود که از اعتبار قانونی بالایی برخوردار است. حق برخورداری از سندیکا و اعتصاب دو مقوله به‌هم پیوسته‌اند که به‌لحاظ تاریخی و تجربی از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. این دو مقوله نمی‌توانند چه از نظر مفهومی و چه از نظر قانونی ازهم جدا باشند.

۲. کارفرمایان هم برای دفاع از منافع‌شان از ابزارهایی خاص خودشان برخوردارند. آنان می‌توانند از ورود اعتصاب کنندگان به کارخانه جلوگیری کنند یا کارگران جدیدی برای شکستن اعتصاب استخدام کنند یا اینکه به اعتصاب کارگران با بی‌تفاوتی برخورد کنند مانند رفتاری که شرکت "آمازون" به‌مدت چهار سال با اعتصاب کنندگان کرد.

۳. مطابق قانون، کارفرمایان حق ندارند برای شکستن اعتصاب از کارگران پیمانی با قراردادهای موقت استفاده کنند، زیرا اعتصاب حق قانونی کارگران است و این گونه اقدام‌ها خلاف قانون به‌حساب می‌آیند.

۴. و حالا با این حکم، حق اعتصاب کارگران به‌عنوان اختلال در کار کارخانه محسوب خواهد شد و در عوض حق پرداخت پاداش از طرف کارفرمایان برای شکستن اعتصاب حقی قانونی به‌حساب خواهد آمد. با این قضاوت ناعادلانه نمی‌توان مدعی مشارکت اجتماعی کارفرمایان شد. این حکم نقض قانون است. بنابر بند ۳ ماده ۹ قانون یاد شده، اقداماتی که بخواهند حق و حقوق کارگران را محدود یا موانعی بر سر راه آن‌ها ایجاد کنند، اقداماتی غیر قانونی به حساب خواهند آمد.

۵. ما نه‌تنها با قضاوتی غیر قانونی بلکه با صدور حکمی بر خلاف منافع و بر ضد دستاوردهای طبقه کارگر روبروئیم. در سده نوزدهم [میلادی] می‌توانستند از این‌گونه صحبت‌ها بکنند، اما با وجود قوانین معتبر ملی در آلمان و حقوق به‌رسمیت شناخته شده بین‌المللی و وجود کنوانسیون دفاع از حقوق انسان‌ها دیگر امکان عملی شدن این‌گونه تصمیم‌ها وجود ندارد و اجازه انجام آن‌ها هم داده نخواهد شد.

صرف‌نظر از اینکه اداره حمل و نقل باری آلمان استدلال‌هایی غیرمنطقی و کاملاً غیرواقعی کرده است ولی این پرسش همچنان به‌جای خود باقی است که، چه عواملی باعث صادر شدن یک چنین حکمی شده است. این روند مانند جریان رشد و بزرگ شدن لوزه یا گواتر است که گلو را می‌فشارد و راه نفس را می‌گیرد. شاکیان اعتصاب شکن‌ها نبودند، بلکه کارگران اعتصابی‌ای بودند که با حمایت سندیکا اقامه دعوا کردند و اجرای عدالت بین اعتصاب کنندگان و اعتصاب شکن‌ها را خواستار شدند. حاصل استدلال های پوچ و بی‌پایه به قضاوتی چنین ناعادلانه منجر شده است. تا زمانی که پرداخت پاداش برای اعتصاب شکن‌ها- مانند دادن پست‌هایی خاص به آنان- برقرار بود کارفرمایان توانستند به نتیجه دلخواه خود برسند. البته تبعیض قائل شدن بین اعتصاب شکن‌ها از سوی کارفرمایان نیز موضوع توجه‌برانگیز دیگری است. تا زمانی که این حق برای کارفرما جهت شکستن اعتصاب محفوظ است، حق اعتصاب برای کارگران نیز پا بر جا خواهد بود. البته نیازی به اثبات قانونی این حق کارگران نیست. این حقی است قانونی و اثبات شده. در واقع صدور این حکم به‌منزله اعمال فشار و تهدید کارگران و سندیکاهاست که از منافع کارگران حمایت می‌کنند. در این مورد به‌خصوص صحبت از مبارزه برای دفاع از حق نیست، بلکه صحبت از روندی بی‌معنی و بی‌حاصل از طرف کارفرمایان است.

برگردان به فارسی[به‌نقل از: تارنمای حزب کمونیست آلمان (د کا پ)، نشریه "عصر ما"، بخش اجتماع و سرمایه، ۲ شهریورماه ۱۳۹۷].

تعرض به حقوق سندیکایی کارگران ترکیه به پیگرد و بازداشت سندیکالیست‌های ترکیه پایان دهید!

اعتراض دفتر اروپایی "فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری" به دستگیری "اوزقور قارابولوت"، رئیس اتحادیهٔ مترقی کارگران ساختمانی ترکیه!

به‌نمایندگی از طرف دفتر اروپایی فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری آزادی سریع اوزقور قارابولوت، رئیس اتحادیه مترقی کارگران ساختمانی ترکیه، وهمه کارگران اعتصابی زندانی معترض به شرایط غیرانسانی و برده‌گونه کار در کارگاه ساختمان سازی فرودگاه جدید استانبول را خواستاریم.

ما تعرض به حقوق کارگران در فرودگاه جدید استانبول را محکوم کرده و از مبارزات آنان برای دستیابی به شرایط

ادامه در صفحه ۳

12 November 2018

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما

004930
23629727

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و "ای-میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمهٔ کارگری نامهٔ مردم - شمارهٔ ۱۳
Nameh Mardom –Workers Supplement No. 12